

اعلامیه وبسایت روشنگران به مناسب سالگرد شوم شش جدی، روز تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان

استقلال ، دموکراسی ، عدالت اجتماعی ، جدایی دین از دولت و احقاق حقوق کامل زنان

امروز مصادف است با شش جدی (۲۷ دسمبر) روز تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان. در سال ۱۳۵۷ کودتای از طرف دو شاخه متحد شده پرچم و خلق علیه اولین جمهوریت رسمی افغانستان صورت گرفت. کودتا چیان با کشتار شخص داوود خان رئیس جمهور و تمام خانواده او و حتی کودکان، فاجعه را آغاز کردند که تاکنون ادامه دارد و هنوز هم از مردم افغانستان قربانی می گیرد. این کودتا که به نام «انقلاب ثور» یادش کردند به زودی به «حقیقت» خود یعنی به تجاوز برهنه اتحاد شوروی ارتقاء یافت.

در این که با طرح کمربند سبز امریکا اتحاد شوروی به دامی گرفتار گردید که رقیب او امپریالیسم امریکا (در مجموع غرب) برایش پهن کرده بود، هیچگونه مشروعیتی به تجاوز اتحاد شوروی نمی دهد. علاوه بر آن دو حزب مزدور و سوسیالیست پرچم و خلق و شاخه دیگری از مزدوران اتحاد شوروی ، چنان در پناه این تجاوز و تجاوزگران به هستی وطن و مردم یورش بردند که می توان گفت در تاریخ افغانستان و منطقه اگر بی نظیر نباشد، حتما نمونه کم نظیر خواهد بود.

بهترین فرزندان این سرزمین چه آنهایی که در عرصه سیاست برای بهبودی حال و آینده افغانستان می اندیشیدند و چه صد ها انسانی که در عرصه های مختلف زندگی مانند اقتصاد ، فرهنگ و هنر و ادبیات و عرصه های مختلف مسلکی و علمی سرمایه این سرزمین را تشکیل می دادند، در پولیگون ها و شکنجه گاه ها یا نابود شدند و یا در چنان موقعیت درمانده صحتی و زندگی قرار گرفتند که نتوانستند آن چنانکه می خواستند، برای سرزمین خود مثمر ثمر واقع شوند.

اما در مقابل مقاومت مردم افغانستان در اشکال قیام های شهری، مبارزات زنان، و مقاومت های مسلحانه سازمانی و غیر سازمان یافته علیه این تجاوز در سرتاسر افغانستان گسترش پیدا کرد.

امپریالیسم غرب و در رأس آن امپریالیسم امریکا که از قبل برای چنین موقعیتی تدارک وسیعی گرفته بود، با سازمان دادن و رشد سرطانی تنظیم های جهادی جبهه بزرگی را علیه اتحاد شوروی گشوده و تجاوز موازی خود را وسعت بخشید.

جبهات محلی مانند جبهات مناطق هزاره جات و نورستان و سایر جا ها و همچنین مبارزان سازمان های انقلابی در شرایط سخت و طاقت فرسای بقول معروف «در میان دو سنگ آسیا» قرار گرفتند.

کشورهای پاکستان و ایران نیز به همین استراتژی غرب مبنی بر محاصره اتحاد شوروی پیوسته و در تخریب پروسه مقاومت ملی افغانستان در ابعاد و اشکال گوناگون پرداختند.

مسابقه جنایت و ویرانگری بین تجاوزگران شوروی و دولت وابسته آن از یک طرف و بین تجاوز موازی غرب در لباس تنظیمی ، هزاران نهاد مدنی و خدماتی و اقتصادی را ویران و زمینه مهاجرت های جمعی را برای سربازگیری تنظیمی مساعد کرد.

اما تقریباً بعد از دو سه سال بعد از شروع رسمی اتحاد شوروی، استراتژی تجاوز موازی غرب، تمام عرصه‌های مقاومت ضد این تجاوز را به غیر از استثناهایی اینجا و آنجا به کام خود کشید.

قیام مردم افغانستان که می توانست به یک مقاومت ملی و استقلال خواهانه سرتاسری شود، به جنگی بخاطر منافع استراتژیک شوروی و غرب و نیروهای منطوقی مانند پاکستان و ایران تبدیل گردید.

شکست اتحاد شوروی که با رقابت گسترده غرب در سایر عرصه ها نیز بستگی دارد، با گوشت و پوست مردم افغانستان و به قیمت ویرانی کامل مادی و معنوی افغانستان تسریع شد و این میوه مستقیماً به دامن غرب افتاد.

امپریالیسم آمریکا که یکه تاز جهان شده بود، نه تنها جانوران جهادی خود را در افغانستان مورد بی مهری قرار نداد، بلکه در یک استراتژی گسترده به آن در افغانستان و منطقه تنوع بخشیده و در تشکیلات های گوناگون مثل القاعده ، طالبان ، لشکر طیبه، داعش و به ده ها نوع دیگر به عنوان لشکر نیابتی خود سازمان داد.

اما از آنجا که اصل «هر خواستنی توانستن نیست» بسیاری از این نیروها به «بومرنگ*» سیاسی مبدل شده، بعضی در خدمت قدرت های منطقه و بعضی دیگر در خدمت رقبای جهانی غرب، به پوزه امریکا و غرب برگشت.

سال های نود قرن بیست و بیست سال تجاوز آشکار غرب به افغانستان نشان داد که «لیبرالیسم» غرب و مخصوصاً جناح انگلوساکسونی آن جز همان « فاشیسم قاروی**» در مقابل کشور های تحت ستم چیز دیگری نیست.

به قدرت رسیدن طالبان در دور دوم چه با معامله صورت گرفته باشد و چه بر اثر شکست امپریالیسم آمریکا و غرب حاصل آمده باشد، یک نکته غیر قابل انکاری در خود دارد و آن این است که تمام این جانوران ضد تمدن و بشریت مستقیماً از دامن امپریالیسم غرب متولد شده اند.

سرکوب مدنیّت و رواج زن ستیزی طالبی و جهادی اگر از یک طرف ریشه در تاریخ کشور ما و منطقه دارد، از طرف دیگر مستقیماً در خدمت امپریالیسم قرار داشته و این ابزاری است که تجاوز غرب در منطقه و کشور ما را تسهیل می کند.

ناگفته نباید گذاشت که میراث تجاوز اتحاد شوروی در وجود احزاب و گروه های که از دولت دست نشانده تره کی، حفیظ الله امین ، ببرک کارمل و داکتر نجیب و همچنین از احزاب پرچم و خلق ریشه دارند حتی بعد از سقوط شان چه در خدمت تجاوز غرب و چه در خدمت جهادی های گوناگون و طالبان به جنایات خود ادامه داده و جبهات آنها را گرم نگهداشته اند.

از طرف دیگر دامن زدن تضاد های قومی گویا به رسالت شوم اینها مبدل گردیده است. سر سلسله داران قوم ستیزی و زبان ستیزی های موجود چه اسماعیل یون و اصولی و چه لطیف پدram و کوهستانی و احمد سعیدی و غیره نیز از همین گنداب سر زده و فضای وحدت مردمی علیه دشمنان شان را تخریب می کنند.

کودتای هفت ثور، تجاوز اتحاد شوروی در شش جدی، هشت ثور جهادی، سپتامبر 1996 به قدرت رسیدن دور اول طالبان، 7 دسمبر 2001 تجاوز امریکا و بالاخره 15 آگست 2021 به قدرت رسیدن دور دوم طالبان روز های سیاه تاریخ افغانستان اند.

ذکر این واقعیت برای این مهم است که مبارزان راه استقلال ، دموکراسی و عدالت اجتماعی در افغانستان هیچگاه نباید به آن نیروهای که حیات سیاسی شان به این روز های سیاه مربوط است اعتماد کنند و از آنها استمداد بجویند.

وظیفه تمام راهیان جنبش انقلابی افغانستان این خواهد بود که از تحلیل عمیقاً مزورانه که پرچم و خلق و سایر ایادی شوروی سابق و روسیه کنونی را چپ می دانند و آگاه و نا آگاه سوویتیسیم (دنباله روی از شوروی و منافع آن) را چپ قلمداد می کنند، پرهیز کرده و سبب گمراهی مردم و مبارزان نگردند.

اما از طرف دیگر در اینکه بخش قابل توجهی از اعضای این گروه ها از گذشته خود نادم اند و صادقانه به نقد از گذشته خود و تجاوز اتحاد شوروی و دولت دست نشانده آن پرداخته اند، از تمام راهیان جنبش مردمی افغانستان می خواهد تا به آنها دست دوستی و اتحاد دراز کنند.

درامه خونین قتل و جنایت و ویرانگری ضد مردمی ، ضد ملی ، ضد زن ، ضد دموکراسی و عدالت اجتماعی از هفت ثور 1357 تا امروز هر چند پرسناژ های گوناگونی را تجربه کرده است ، اما در ماهیت ضد ملی و ضد مردمی خود یکی بوده اند.

امروزه طالبان وارث و مجری همه این جنایات اند. مردم ما فقط با گذشتن از نعلش رژیم طالبانی و طرد تمام نیروهای که در این چهل و چند سال گاهی متحد با هم و گاهی متفرق از هم در قتل و ویرانگری مردم و وطن سهم داشته اند، می توانند به منافع بزرگ خود دست یابند.

- **یاد قهرمانان بزرگ ما که در برابر تجاوز اتحاد شوروی ، جنایات اخوانی ها و طالبان و علیه تجاوز غرب و امریکا رزمیدند، همیشه و پایا باد.**
- **زنده باد مبارزه در راه استقلال ، دموکراسی ، عدالت اجتماعی ، جدایی دین از دولت و احقاق حقوق کامل زنان**
- **مرگ بر رژیم طالبان**

(*)

بومرنگ چوب تراش یافته است که بومیان استرالیا برای شکار درست می کردند. خصوصیت آن طوری است که بعد از تصادم به شکار دوباره به طرف پرتاب کننده بر می گردد و با کوچکترین بی احتیاطی، به چهره اش می خورد. در سیاست به آن نیروهای های گفته می شود که علیه خالق خود قرار می گیرند.

(**)

اشاره به گفته معروف زنده یاد میر غلام محمد غبار در کتاب « افغانستان در مسیر تاریخ»